



## درس نهج البلاغه شناسی استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۹/ اردیبهشت/ ۱۳۹۸

مصادف با: ۱۳ رمضان ۱۴۴۰

جلسه: ۱۴

موضوع کلی: نهج البلاغه شناسی

موضوع جزئی: شروح و ترجمه‌های نهج البلاغه

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم مهمترین شروح نهج البلاغه عبارتند از: شرح قطب راوندی، شرح ابن ابی الحدید، شرح ابن میثم، شرح مرحوم خوئی و شرح بهج الصباغه که تا اینجا چهار شرح اول معرفی اجمالی شدند و بعضی از مزایا و نقصان و کاستی‌های این شروح بیان شد.

### ۵. شرح بهج الصباغه

خود مرحوم تستری در مقدمه خود اجمالاً توضیح داده است که چرا دست به کار نوشتن شرح نهج البلاغه شده است. ایشان ضمن اینکه به شرح ابن ابی الحدید، ابن میثم و مرحوم میرزا حبیب الله خوبی اشکالاتی را ایراد می‌کند، می‌نویسد: «فرأیت ان اکتب بعون الله شرحاً جامعاً فیہ من التاریخ و الادب و الاخبار التویه و الآثار التي تكون حجة بقدر الحاجة و فی محل یكون فیہ مناسبه مع ذکر مدارک عنوانین الكتاب بقدر الوسع»<sup>۱</sup> همین چند جمله معرف این شرح است که هم مطالب تاریخی و هم مسائل ادبی در آن بیان شده است، روایات قوی در آن آمده است و آثاری که حجت است، آن هم به اندازه نیاز و در جایی که مناسب با آن مکان و محل است. یعنی مطالب را در جای خودش ذکر کردیم، همچنین مدارک و مصادر و مآخذ این کتاب را بیان کردیم به اندازه‌ای که وسع ما اجازه داده است.

ایشان در واقع می‌خواهد بگوید شرح ما یک بعدی نیست و جامعیت دارد، مشتمل بر مسائل تاریخی و ادبی است، اخبار ضعیفه در این شرح استفاده نشده است، چنانچه در مورد برخی از شروح خود ایشان اشکال کرد که از اخبار ضعیف استفاده کرده‌اند. همچنین تطویل بلاطائل داده نشده است، یعنی مسائلی ذکر نشده که نیازی به ذکر آنها نیست مثل کاری که ابن ابی الحدید در مورد برخی مسائل تاریخی انجام داده است. همچنین آنچه گفتیم در محل مناسب خودش قرار دادیم و این طور نبوده که مثل بعضی از شروح از جمله ابن ابی الحدید مطلبی را که باید در محل خودش می‌آمد در جای دیگری بیان کرده باشیم. و مسئله مهم ذکر مدارک این کتاب یعنی خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها است که ما آنها را بیان کردیم. زیرا سید رضی این مطالب را به صورت مرسل نقل کرده است.

این یک معرفی اجمالی از این شرح است که خود مؤلف در مقدمه کتاب بیان کرده است.

اشکالات مرحوم تستری به سید رضی

<sup>۱</sup> بهج الصباغه، تستری، ج ۱، ص ۲۶.

قبل از اینکه بخواهیم ویژگی‌های این شرح را متعرض شویم ذکر برخی اشکالاتی که خود مؤلف نسبت به سید رضی مطرح کرده است خالی از فایده نیست. ایشان به طور کلی بعد از تجلیل از سید رضی و تقدیر از زحمات گرد آورنده نهج البلاغه اشکالاتی را به سید رضی بیان می‌کند. با اینکه سید رضی بنا داشت هر کلام فصیحی که منسوب به حضرت علی(ع) است جمع‌آوری کند و هم و غم خود را معطوف به این کار کرده بود، اما اشکالاتی در کار ایشان است که قابل اغماض نیست.

**اشکال اول:** سید رضی با تمام دقتی که داشت، توجه نکرده است که بعضی کلمات و سخنان به حضرت علی(ع) نسبت داده شده است، در حالیکه این سخن از حضرت علی(ع) نبوده و تزویق کلام حضرت علی(ع) است. یعنی مطلبی را که مروی از حضرت علی(ع) است بدون تأمل و دقت نقل کرده است و توجه نکرده است که آیا این سخن از حضرت علی(ع) است یا خیر، از جمله در خطبه ۹۰، ۱۶۶، ۲۶۶ و همچنین در بخشی از خطبه ۶.

**اشکال دوم:** چون سید رضی در صدد گزینش کلمات فصیح حضرت علی(ع) بوده است، گاهی در این کار اکتفاء به سخنی کرده است که از دنباله آن سخن غفلت کرده. این کار سید رضی مثل این می‌ماند که کسی جمله «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ» را بدون «وَأَنْتُمْ سُكَارَى»<sup>۱</sup> نقل کند. چقدر معنا عوض می‌شود! سید رضی در برخی از موارد مثل حکمت ۴۶۷ این کار را انجام داده است.

**اشکال سوم:** سید رضی عمدتاً به کتب عامه و روایات آن‌ها مراجعه کرده است، لذا گاهی از اوقات یک مطلب یا روایتی را از آن‌ها نقل کرده است که روایت ما آن‌ها را تکذیب می‌کند و مثل آنچه در خطبه ۵۷ گفته‌اند.

**اشکال چهارم:** گاهی سخنان غیر حضرت علی(ع) را به امیرالمؤمنین(ع) نسبت دادند از جمله در حکمت ۲۸۹ که قبلاً به آن اشاره کردیم. اشکال این بوده که تقریباً متفق علیه است که این سخن مربوط به امام حسن(ع) است اما سید رضی این کلام را به عنوان کلام حضرت علی(ع) ذکر کرده است، یا مثلاً در حکمت ۲۲۷ روایات متفقند بر اینکه این مطلب را حضرت علی(ع) از پیامبر(ص) نقل کرده است اما سید رضی این را به عنوان کلامی که منسوب به خود حضرت علی است بیان کرده است.

**اشکال پنجم:** در برخی از موارد سخنی به حضرت علی(ع) نسبت داده شده که از او در خواب روایت شده است مثل آن چه که در حکمت ۴۰۶ آمده است و این معلوم است که قابل اعتماد نیست.

**اشکال ششم:** گاهی از اوقات گفته که در فلان مسئله حضرت این را فرموده در حالیکه در یک مسئله و یک واقعه دیگر حضرت آن را فرموده است مثل آنچه در مورد نامه ۶۲ نوشته است «و من کتاب له (علیه السلام) إلى أهل مصر مع مالک الأشر»<sup>۲</sup> در حالیکه این مطلب مربوط به خطبه‌ای است از حضرت علی(ع) در مقام تحریک مردم به جهاد در زمانی که مصر فتح شد و محمد بن ابی بکر به قتل رسید. این مطلب را برخی از محدثین و مورخین که تعدادشان نیز کم نیست نیز بیان کردند مثل: تقفی در غارات، ابن قطیبه در کتاب خلفاء، کلینی در رسائل و طبری در مسترشد که این خطبه در رابطه تحریک مردم به جهاد است نه خطبه به اهل مصر.

<sup>۱</sup>سوره نساء، آیه ۴۳

<sup>۲</sup>شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۱۵۱.

اشکال هفتم: گاهی از اوقات توسط سید رضی تحریف صورت گرفته، به این معنا که کلمه‌ای را بر اساس آنچه که در مأخذ دیده به نحو دیگری آورده است، مثلاً طبق نقل سید رضی در نامه ۵۷ حضرت علی (ع) نوشتند: «خَرَجْتُ مِنْ حَبِي هَذَا»<sup>۱</sup> یعنی من در حالی از جای قبیله خودم بیرون آمدم، ولی اصلش این بوده «خَرَجْتُ مَخْرَجِي هَذَا»<sup>۲</sup> خارج شدم در حالیکه محل خروج من اینجا بود. این فرق می‌کند، «حَبِي هَذَا» یا «مَخْرَجِي هَذَا» این جا در واقع یک کلمه‌ای مبدل شده به کلمه دیگر. سپس مرحوم تستری موارد دیگری هم نقل می‌کند که در برخی از حکمت‌ها این اتفاق افتاده است از جمله در حکمت ۳۷۱ که سید رضی آورده است «وَ الشَّرُّ جَامِعٌ مَسَاوِي الْعُيُوبِ»<sup>۳</sup> در حالیکه در اصلش «والبخل جامع مساوی العیوب»<sup>۴</sup> است. این شاید یک تحریف باشد، چون همین را در حکمت ۳۷۸ خود سید رضی آورده است.

مجموعاً این اشکالاتی است که ایشان به سید رضی دارد. البته برخی از این اشکالات چه بسا قابل پاسخ و توجیه باشد که خواهیم گفت. علی‌ای حال این‌ها اشکالاتی است که مرحوم تستری نسبت به نهج البلاغه دارد.

### ویژگی های بهج الصباغه

عمده این است که خود این شرح را در ترازوی بررسی و ارزیابی قرار دهیم و ویژگیهای آن را بشناسیم.

ویژگی اول: مهمترین ویژگی این شرح (که قبل از آن به این نحو و به این گستردگی سابقه‌ای وجود ندارد) این است که این یک شرح موضوعی برای نهج البلاغه است. شرح‌هایی که تا به حال از آن‌ها نام بردیم همه ترتیبی بودند، یعنی از اول نهج البلاغه و خطبه شروع می‌کنند و تا آخر حکمت‌ها می‌روند. اما کاری که مرحوم تستری کرده شصت فصل درست کرده و کلمات حضرت علی (ع) را از جاهای مختلف در ذیل این فصول قرار داده است، مثلاً یک فصل به عنوان توحید قرار داده، عبارت ایشان نیز این است: «الاول فی التوحید و فیه ثلاث خمسين عنوانا، الثانی فی خلق السماء و الارض و الشمس و القمر و النجوم و الارش و الكرسي و فیه سته عناوين»<sup>۵</sup>. پس شصت فصل درست کرده است که در هر فصلی عناوین متعدد قرار داده است، عنوان توحید، عنوان خلق آسمان و زمین و خلق ملائکه، خلق آدم، نبوت عامه، نبوت خاصه و همین‌طور می‌رود تا شصت فصل. آن وقت، وقتی که سخن از توحید است، این توحید خودش بر طبق تقسیم بندی ایشان پنجاه و سه عنوان در ذیلش وجود دارد که همه کلمات حضرت را تحت این عناوین پنجاه و سه گانه قرار داده است.

این مهمترین ویژگی شرح تستری است که در واقع به تعبیر خودش ترتیب لفظی را تغییر به ترتیب معنایی داده «و حیث ان ترتیب مصنف للکتاب بالخطب و الکتب و الکلمات القصار ترتیب لفظی .. ترتیبه بالمعنی فجمعت ما یکون راجعا الی التوحید مثلاً فی موضع و ما یکون راجعا الی النبوه فی موضع و الی الامامه الی موضع و هكذا کل موضوع»<sup>۶</sup> و بعد شروع می‌کند به ترتیب این موضوعات را ذکر می‌کند.

<sup>۱</sup> نهج البلاغه للصبحی صالح، ص ۴۴۷.

<sup>۲</sup> شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۴، ص ۱۱.

<sup>۳</sup> شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۳۰۱.

<sup>۴</sup> شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۵۴۳.

<sup>۵</sup> بهج الصباغه، تستری، ج ۱، ص ۲۶.

<sup>۶</sup> بهج الصباغه، تستری، ج ۱، ص ۲۷.

علی ای حال این یکی از مهمترین و شاید مهمترین کاری است که تا آن زمان صورت نگرفته است و مرحوم تستری این کار را انجام داده است.

**ویژگی دوم:** به ادعای خود ایشان در این شرح مدارک سخنان حضرت علی(ع) ذکر شده است. یعنی بر اساس مآخذ و مدارکی که دارند مستند شده است و به تعبیر خود ایشان قبل از او به این کیفیت وجود نداشت. ایشان صریحا می گوید: «و اما الشراح المتقدمون فلم یقفوا فی کثیر منها علی المدارک اصلا و فی یشیر منها لم یقفوا غالبا الا علی بعضها»<sup>۱</sup> بسیاری از شرح مدارک سخنان حضرت علی را بیان نکردند و یا پیدا نکردند ولی ما این مدارک را ذکر کردیم.

**ویژگی سوم:** پرداختن به اعراب و لغت و تفسیر واژه‌های سخت نهج البلاغه است. دیگران تقریبا به واژه‌های غیر سخت و غیر مشکل نیز پرداخته‌اند و در هر فقره‌ای همه واژه‌ها را توضیح دادند اما در این شرح فقط آن واژه‌ها و کلماتی که از حیث اعراب و لغت سخت بوده است را تبیین و معنای آن را بیان کرده‌اند.

**ویژگی چهارم:** به اندازه به مسائل تاریخی در این شرح پرداخته شده است، همانطور که در سخن خود ایشان هم صریحا آمده بود.

**ویژگی پنجم:** این شرح در واقع متضمن نقد و بررسی آراء شارحین پیش از خودش نیز می‌باشد، به خصوص ابن ابی الحدید و ابن میثم که متعرض نقد و بررسی آراء این دو هم شده است.

چه بسا این موارد مهمترین ویژگی‌هایی است که می‌توانیم برای این شرح نقل کنیم، مخصوصا موضوعی بودن آن، که یک مسئله قابل توجه است. البته بعد از ایشان گام‌های بیشتری برداشته شده است.

#### **کاستی‌های بهج الصباغة**

علی رغم این ویژگی‌ها، در عین حال کاستی‌هایی هم در این شرح به چشم می‌خورد، هرچند کاستی‌های این شرح کمتر از سایر شروح است.

**اشکال اول:** عمدتا در این شرح بر نقل تکیه شده است، یعنی بیشتر یک شرح روایی و نقلی است، درحالیکه در نهج البلاغه مسائل بسیار مهمی در مورد عقل و خدا و توحید و مسائل و موضوعاتی عقلی و فلسفی مطرح شده است. بدیهی است که آن امور را نمی‌توان صرفا با نقل شرح کرد. بعضی از این مسائل را بالاخره با استدلال و عقل و منطق باید توضیح داد.

**اشکال دوم:** شصت فصلی که مرحوم تستری در بهج الصباغة طراحی کرده است، چندان دارای یک ترتیب منطقی واضح نیست. درحالی که باید این تقسیم‌بندی بر اساس یک ضابطه و ملاکی باشد.

این هم اجمالی درباره شرح بهج الصباغة بود که مؤلفش مرحوم تستری است.

#### **بررسی بعضی از اشکالات بهج الصباغة به سید رضی**

بعضی از این اشکالات را قبلا پاسخ دادیم، مثل اینکه در بعضی از موارد خطبه در مورد کسی است که سید رضی آن را کانه در مورد شخص دیگری قرار داده است، از جمله ایشان مطلبی را که از امام حسن(ع) است را به حضرت علی(ع) نسبت داده است یا

<sup>۱</sup> بهج الصباغة، تستری، ج ۱، ص ۲۸.

در مورد خطبه ۲۲۸ یا ۲۲۶ که حضرت به مدح خلیفه دوم پرداختند و مرحوم تستری گفتند این خطبه از حضرت علی (ع) نیست. بعضی هم گفته‌اند این خطبه مربوط به سلمان فارسی است و ربطی به خلیفه دوم ندارد.

**بررسی اشکال دوم:** اشکال دوم این بود که چون سید رضی مجذوب فصاحت کلام مولا شده بود فقط آن‌ها را گزینش می‌کرده و بعضی کلمات را کنار می‌گذاشت. پاسخ این است که:

**اولا:** اگر خود نهج البلاغه از اول تا آخر ملاحظه شود، نقض این سخن آشکار می‌شود. زیرا در این کتاب کلمات غیر فصیح نیز وجود دارد.

**ثانیا:** سید رضی از نظر علمی و مرتبه امانت و وثاقت به گونه‌ای بود که این امور را مد نظر داشته باشد. آنگاه چطور می‌تواند جمله‌ای را بیاورد (ولو تأکیدش روی فصاحت است) اما چون قسمتی از آن جمله غیر فصیح است آن را نقل نکند. تشبیه کردن به «لا تقرب الصلوة و انتم سکاری» به هیچ وجه قابل قبول نیست. سید رضی کسی نیست که در این حد مجذوب فصاحت و شیفته بلاغت شده باشد که برای حفظ این اصل حتی معنا را منهدم و خراب کند.

**بررسی اشکال سوم:** گفتند که مراجعه سید رضی فقط به کتب عامه بوده است.

این واقعا درست نیست. بله سید رضی در نهج البلاغه احادیث و سخنان مولا را به صورت مرسل نقل کرده است و به جز ۱۵ مورد نام کتاب یا راوی را نیاورده است ولی در همان پانزده مورد اینطور نیست که همه‌اش متعلق به عامه باشد. مرحوم تستری می‌گوید: «لکون مراجعته الی کتب العامه و روایتهم فقط غالبا قد ینقل ما تکذبه روایته الخاصه»<sup>۱</sup> بله به کتب عامه مراجعه می‌کرد اما نه اینکه فقط به آن‌ها مراجعه کند.

**بررسی اشکال چهارم:** این اشکال که گاهی سید رضی کلامی را به حضرت علی (ع) نسبت داده که مربوط به حضرت علی (ع) نیست. این یکی از همان ادله منکرین استناد به نهج البلاغه است که قبلا متذکر شدیم، یک عده‌ای معتقد بودند که نهج البلاغه یا بخشی از آن از حضرت علی (ع) نیست، زیرا کلامی را که مثلا از امام حسن (ع) بوده است را به عنوان کلام حضرت علی (ع) نقل کرده است که پاسخ آن را دادیم.

**بررسی اشکال ششم:** اینکه سید رضی مطلبی را به حضرت علی (ع) در غیر محل خودش نسبت داده، خللی به خود کتاب وارد نمی‌کند. سید رضی آنچه را که از حضرت علی (ع) آمده است را دسته بندی کرده و گفته: «دیدم بعضی از این‌ها خطبه است و بعضی حکمت و بعضی نامه است»

برخی از این موارد می‌تواند به دلیل اختلافی باشد که در نقل آن وجود دارد، یعنی گاهی اختلاف وجود دارد که این خطبه را حضرت در کجا ایراد کرده است، این نامه را به چه کسی نوشت، در مواردی این اختلافات وجود دارد. حال سید رضی به یک منبعی استناد کرده و آن را نوشته است. پس یک اشکال مهمی نیست.

### جمع بندی

<sup>۱</sup> بهج الصباغة، تستری، ج ۱، ص ۲۸.

به سید رضی اشکالاتی وارد است، مثل اینکه همه سخنان حضرت علی(ع) را نیاورده و تأکیدش روی فصاحت بوده، یا اینکه کلام حضرت علی(ع) را مرسلأ آورده است. اینها اشکالاتی است که وجود دارد ولی برخی از هفت اشکالی که مرحوم تستری ذکر کردند به نظر می‌رسد به سید رضی وارد نیست.

### **بحث جلسه آینده**

بحث در مورد ترجمه‌های نهج البلاغه.

«الحمد لله رب العالمین»